

اشاره

ارزش نوعی باور است که به شکلی محوری، درون نظام باور کلی فرد جای گرفته است و مشخص می‌سازد که او چگونه «باید» یا «نباید» رفتار کند، یا در صورت داشتن هدف‌هایی، کدام یک ارزش کسب کردن دارند و کدام یک ندارند. ارزش‌ها، ایده‌آل‌های انتزاعی و مجرد، مثبت و منفی هستند و اصلاً مقید یا ملزم به موقعیت یا موضوع گرایشی خاص نیستند. [راکیچ ص ۱۲۴]. ارزش‌های اجتماعی افراد، رابطه‌ی بسیار نزدیکی با نیازهای آنان دارد. در واقع، شکل‌گیری ارزش‌ها در فرایند اجتماعی شدن، در پیوند با سلسله مراتب نیازهای افراد است که خود بسته به موقعیت افراد در سلسله مراتب اجتماعی متغیر است. البته باید میان ارزش‌ها و نیازها تمایز قائل بود. ارزش‌ها بازنمای شناختی و تغییر شکل یافته‌ی نیازها هستند. در واقع ارزش باور نسبتاً پایداری است که بر شیوه‌ی رفتاری خاصی، با یک حالت غایی وجود شخصی یا اجتماعی که قابل ترجیح به شیوه‌ی رفتاری خاص یا حالت غایی وجود مقابل آن است، دلالت دارد. زنان و دختران، طی فرایند جامعه‌پذیری، بر اساس آموزه‌های ساختاری مردم‌محور، کلیشه‌هایی را در نظام ارزشی خود جای می‌دهند که هم سو و هماهنگ با تفاوت‌ها و نابرابری‌های واقعی جامعه باشد. چگونگی این فرایند اکتساب و تقویت «ارزش‌های زنانه‌ی مردم‌محور»، موضوع مقاله‌ی حاضر است.

شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی دختران

کاربر: نظری، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

جامعه‌پذیر شدن ارزش‌های جنسیتی^۱

منظور از جامعه‌پذیر شدن ارزش‌های جنسیتی، فرایند تلقین و جایگیر کردن این ارزش‌ها در افراد جامعه است. این فرایند که از بدو تولد آغاز می‌شود، بازتاب ارزش‌های غالب در محیط است که خصوصاً در کودکی و پیش از بلوغ، نظام ارزشی و رفتاری افراد را شکل می‌دهد. به عقیده‌ی اینگلهارت، ارزش‌های اصلی یک فرد تا حدود زیادی منعکس‌کننده‌ی شرایطی هستند که در جریان سال‌های قبل از بلوغ وی غالب بوده‌اند. به همین دلیل، رابطه‌ی بین محیط اجتماعی-اقتصادی و اولویت‌های ارزشی، رابطه‌ای مبتنی بر تطابق بلافاصله نیست، بلکه تأخیر زمانی محسوسی در این میان وجود دارد. در واقع، اینگلهارت به تأثیرگذاری شرایط اجتماعی دوران جامعه‌پذیری افراد در شکل‌گیری ارزش‌ها اشاره دارد.

جوینت میشل نیز در مقاله‌ی بلند و معروف خود، «زنان: طولانی‌ترین انقلاب» (۱۹۶۶)، به توضیح فرایند جامعه‌پذیری می‌پردازد و جامعه‌پذیری را به عنوان یکی از ساختارهای اصلی جامعه

مطرح می‌کند که در شکل‌گیری نابرابری‌های جنسیتی نقش دارد [آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۱۳]. بخش بزرگی از فرایند جامعه‌پذیری، به گسترش و ترویج نقش‌ها، رفتارها و ارزش‌های «جنسیتی» اختصاص دارد. جامعه‌پذیری جنسیتی، ارزش‌های جنسیتی را در افراد نهادینه می‌سازد و از کودکی آنان را هماهنگ با نظام نابرابری‌های جنسیتی تربیت می‌کند. جامعه‌پذیری جنسیتی با ترویج و آموزش کلیشه‌های جنسیتی از مجرای نهادهای اجتماعی، نظام رفتاری و ارزشی جامعه را در هر نسل بازتولید می‌کند.

نهادهای اجتماعی بسیاری در فرایند جامعه‌پذیری ارزش‌های جنسیتی ایفای نقش می‌کنند، اما نهادهایی چون خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای مذهبی، نقش ویژه‌ای در این خصوص بر عهده دارند. اولین مرحله از جامعه‌پذیری افراد در نهاد خانواده صورت می‌گیرد. نقش‌ها و روابط دوگانه‌ی پدر و مادر، اولین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت دختران است. انتظارات و آموزش متفاوتی که به پسران و دختران در خانواده داده می‌شود، از ابتدای کودکی نقش‌های کلیشه‌ای «دختر خوب» و «دختر حساس» را در مقابل «پسر شجاع» و «پسر جسور» قرار می‌دهد. جدایی بازی‌های پسران و دختران، نوع پوشش و انتظارات رفتاری از آنان، شخصیت «دخترانه» را به جنس «دختر» پیوند می‌زند. الگوپردازی دختران از مادر، برای یادگیری «نقش مادری و خانه‌داری» در بازی‌ها و داستان‌های کودکان بسیار بارز است. در واقع، اولین و کامل‌ترین مرحله‌ی اجتماعی شدن در خانواده شکل می‌گیرد و سایر نهادهای اجتماعی، مکمل و مقوم کلیشه‌های جنسیتی هستند.

آموزش و پرورش یکی از نهادهای قدرتمندی است که در طول حدود یک دهه از زندگی افراد، نظام شناختی، ارزشی و رفتاری آنان را تنظیم می‌کند. مدرسه ابزار اصلی دولت برای تضمین بازآفرینی مناسبات اجتماعی است. کارکرد اصلی نهاد آموزشی، تولید نیروی لایه لایه و سازشکار است. به قول آن ماری ولپ (۱۹۷۷)، نقش خانواده و مدرسه، آماده‌سازی زنان برای مشاغل کم‌درآمد در بازار ثانوی کار، و نیز برای خانه‌داری است. میشل بارت (۱۹۸۰) خاطر نشان کرده است، از آن‌جا که تصور می‌شود هر زنی سرانجام عهده‌دار کارهای خانگی و بچه‌داری می‌شود و تحت تکفل مردی قرار خواهد گرفت، میزان و نوع آموزش نیز متناسب با آن مقرر می‌شود. بسیاری از پدران، مادران و مربیان معتقدند، دختر سرانجام ازدواج می‌کند، پس چه فایده‌ای دارد که برای موفقیت در مدرسه تلاش کند. این تصورات از صافی ذهن دختران می‌گذرد و رفته‌رفته موفقیت در نقش‌های خانگی را جایگزین موفقیت تحصیلی می‌کند.

در واقع، نظام آموزش رسمی بازتولیدکننده‌ی نابرابری‌های اجتماعی است. آبوت و والاس پنج علت برای این فرایند در نظر



دارند: نخست این که سلسله مراتب آموزشی به شدت مردانه است و الگوهایی که دختران و پسران در برابر چشم خود می بینند، حاکی از آن است که مناصب بلندمرتبه‌ی آموزشی را مردان تر اختیار دارند. دوم این که معلمان نسبت به پسران و دختران نگرشی قالبی دارند و مدرسه به جای در افتادن با تقسیم بندی های جنسیتی رایج در جامعه، به آن ها دامن می زند. دلیل سوم، القای فرضیه های گوناگون درباره ی هویت های جنسی در کتاب های درسی است. بررسی متون درسی نشان داده است که در آن ها، دختر و پسر در نقش های کلیشه ای جنسیتی تصویر شده اند. افزون بر این، تعداد شخصیت های مذکر به مراتب از شخصیت های مؤنث بیشتر است. چهارمین توضیح این که درس ها و مفاد آموزشی برچسب مردانه و زنانه می خوردند. برای مثال کودک یاری برای دختران و فلزکاری برای پسران. دلیل پنجم تفاوت در نوع برخوردی است که پسران و دختران با کلاس دارند؛ پسرها مشارکت شفاهی بیش تری دارند [آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۸۹].

رسانه های عمومی، با نمایش زنان در نقش های محدود و با تأکید بر نقش همسری - مادری، باورهای رایج و قوی نقش زنان را تقویت

شکل گیری ارزش های اجتماعی دختران در ایران

نتایج و پیامدهای گسترش و فراگیری ارزش های جنسیتی در بین دختران، تثبیت نقش های سنتی در جامعه است. در حقیقت، طی فرایند جامعه پذیری به دختران آموخته می شود که ارزش های جنسیتی را طبیعی، ذاتی و غیرقابل تغییر بدانند و در نتیجه، نه تنها برای دیگرگون کردن آن ها اقدامی نکنند، بلکه خود بر تقویت این نقش ها اصرار ورزند و آن ها را به فرزندان خود منتقل کنند. در واقع ارزش های جنسیتی، توجیه گر نابرابری های جنسیتی در جامعه هستند.

طبق نتایج یک پیمایش ملی که توسط «سازمان ملی جوانان» در سال ۱۳۸۳ انجام شده است، نگرش ها و ارزش های دختران ایرانی نسبت به روابط اجتماعی (دوستی با غیرهم جنس) بسیار محدودتر از پسران بوده است. بررسی داده ها نشان می دهد، میانگین میزان موافقت مردان با دوستی دختر و پسر بیش از زنان است. با در نظر گرفتن تداوم نظام نهادی و ارزشی موجود، پسران در برقراری روابط دوستی با غیرهم جنس، از مزایای بیش تری برخوردارند و همچنین،

معتبر	جنسیت		سن			سطح تحصیلات		
	زن	مرد	۱۹-۲۰	۲۱-۲۵	۲۶-۲۹	دیپلم	زیر دیپلم	بالای دیپلم
موافقت کامل	۶/۹	۱۸/۸	۱۲/۸	۸/۹	۱۲/۸	۱۲/۳	۱۳/۶	۱۳/۶
تا اندازه ای	۳۱	۲۹/۹	۲۲/۶	۲۸/۸	۳۲/۸	۳۵/۵	۴۰/۷	۴۰/۷
کم	۱۹/۷	۱۷/۹	۱۹/۷	۱۷/۹	۱۷/۹	۱۸/۳	۱۸/۸	۱۸/۸
اصلاً	۴۲/۵	۲۲/۴	۳۲/۳	۲۰/۶	۲۹/۷	۳۳/۹	۲۶/۸	۲۶/۸
بسیار معتبر	۸۰/۴۹	۷۵/۰۱	۶۶/۴۲	۵۵/۶۵	۳۳/۴۳	۶۱/۳۳	۳۷/۲۶	۳۷/۲۶
آنها	۹۵۲/۱۹۳			۰/۴۵			۰/۰۶۵	
سطح معنی داری	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰	

جدول ۱

میزان موافقت پاسخگویان با دوستی دختر و پسر بر حسب جنسیت، سن و سطح تحصیلات

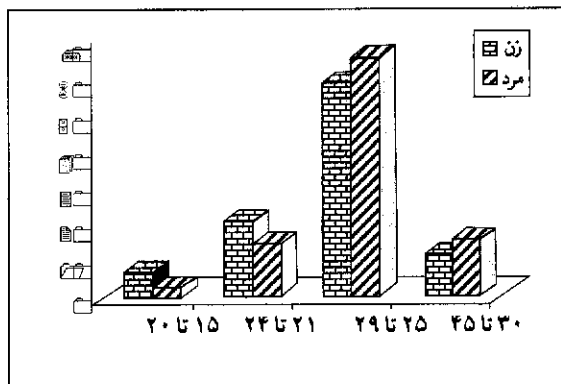
می بخشند. این امر، به ویژه در تبلیغات و مجموعه های تلویزیونی قابل توجه است. در حقیقت، رسانه ها از طریق پیام ها و تصویرهای خود، کلیشه های جنسیتی را به گونه ای القا می کنند که نقش ها و ارزش های جنسیتی بیدیه به نظر برسند. نهادهای مذهبی نیز از طریق تقدس بخشیدن به ارزش های جنسیتی و اتخاذ تکالیف خاصی برای دختران و پسران، ارزش های سنتی و جنسیتی را ترویج می کنند.

در موقعیت های کم زیان تری قرار خواهند گرفت. اکثر دخترانی که با برقراری دوستی با غیر هم جنس مخالفت داشته اند، سهل انگاری و ضعف اعتقادات را به عنوان دلایل روابط دختر و پسر برمی شمارند. همچنین، اولویت ارزشی دختران بیش تر حول تشکیل خانواده بوده است و سن ازدواج را کم تر از پسران دانسته اند.

در موقعیت های کم زیان تری قرار خواهند گرفت. اکثر دخترانی که با برقراری دوستی با غیر هم جنس مخالفت داشته اند، سهل انگاری و ضعف اعتقادات را به عنوان دلایل روابط دختر و پسر برمی شمارند. همچنین، اولویت ارزشی دختران بیش تر حول تشکیل خانواده بوده است و سن ازدواج را کم تر از پسران دانسته اند.

متأثر از نقش‌های شغلی آن‌هاست. در مقابل، بالاتر بودن اهمیت مسائل خانوادگی و ازدواج نزد دختران را می‌توان ناشی از هویت‌یابی بر اساس کلیشه‌ی «زن خانه‌دار-مادر نمونه» دانست. توجه بیش‌تر دختران به مسائل تحصیل و کنکور نیز عکس‌العملی در مقابل حذف از عرصه‌ی عمومی و رانده شدن به عرصه‌ی خصوصی، بر اثر فرایند کنترل اجتماعی است که آن‌ها را به سمت فرصت‌های هویت‌یابی در دانشگاه سوق داده است.

در همین ارتباط، دختران با اختلاف بسیاری (۲۹/۱ درصد در مقابل ۱۹/۵ درصد پسران) بر ادامه‌ی تحصیل تأکید دارند و چنانچه گذشت، می‌توان این را مقاومتی در برابر تبعیض که به نابرابری جنسیتی برای حضور در عرصه‌ی عمومی منجر می‌شود، قلمداد کرد. به علاوه، در این پیمایش، ارزیابی دختران و پسران از وضعیت آینده‌ی کشور که نمایانگر نگرانی‌ها و اولویت‌های ارزشی آنان است، نشان می‌دهد که مردان بیش‌تر در خصوص ارزش‌های فرامادی از خود حساسیت نشان می‌دهند، در حالی که نگرانی‌ها و نگرانی زنان بیش‌تر حول مسائل مادی از قبیل امنیت، جرم و نیز مسائل اخلاقی چون دین و حقوق زنان، متمرکز است. در گذار از



مناسب‌ترین سن ازدواج پسران از نظر پاسخگویان بر حسب جنسیت

همچنین، در اولویت‌بندی نگرانی‌ها، پسران بیش‌تر به اشتغال اشاره داشته‌اند (مردان با ۵۳/۵ درصد و زنان با ۳۵/۸ درصد)، در حالی که دختران بیش‌تر به مسائلی از جمله مسائل خانوادگی (۸/۲ درصد)، مسائل تحصیلی و کنکور (۲۲ درصد) و ازدواج (۶/۲ درصد) اشاره کرده‌اند.

ارزش‌های مادی	مرد (%)	زن (%)
ثبات اجتماعی	۲۷/۸	۲۱/۴
ثبات اقتصادی	۲۷/۸	۲۷/۸
ثبات تحصیلی	۲۷/۸	۲۷/۸
ثبات فرهنگی	۲۷/۸	۲۷/۸

جدول ۳
ارزیابی از اوضاع آینده‌ی کشور به تفکیک جنس

ارزش‌های مادی به فرامادی براساس نظریه‌ی اینگلهارت، باید به این امر توجه کرد که زمینه‌ی ساختاری و نهادی گذار، برای مردان فراهم‌تر است، و زنان در این گذار با تناقضی بین ارزش‌های فرامادی و زمینه‌های ساختاری/ نهادی مواجهند.

تفکیک حوزه‌ی عمومی و خصوصی

جدایی تاریخی قلمرو عمومی از قلمرو خصوصی که برآمده از فرهنگ پدرسالار است و توسط نظام سرمایه‌داری به دلیل کارکردی که داشته، تقویت شده است، باعث شده ارزش‌های جنسیتی متناسب با بازتولید تقسیم کار جنسیتی تنظیم شوند [آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۳۲۰]. اگرچه جدایی مطلق عرصه‌ی «کار»

اولویت اول نگرانی	مرد (%)	زن (%)
اشتغال	۵۳/۵	۳۵/۸
مسائل تحصیلی و کنکور	۱۹/۴	۲۲/۲
مسائل خانوادگی	۳/۲	۸/۲
مسائل اقتصادی	۱۷/۲	۲۲
مسائل فرهنگی	۳/۲	۶/۲
مسائل اجتماعی	۱/۵	۲
مسائل سیاسی	۱/۴	۲/۱
مسائل مذهبی	۷/۲	۴/۳
مسائل دیگر	۵/۸	۷/۴
مسائل عمومی	۰/۱	۰/۱

جدول ۲
اولویت اول نگرانی پاسخگویان بر حسب جنسیت

در مورد مردان، انتظارات اجتماعی و کلیشه‌های نقش‌مبتنی بر «مرد نان‌آور» باعث می‌شود که اشتغال به عنوان اولین نگرانی مطرح شود. علاوه بر این، هویت‌یابی مردان در گذار به بزرگ‌سالی، بسیار



دفتر انتشارات کمک آموزشی

انتخابی تا محلله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، تا این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر

سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- **رشد کودک** (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوآموز** (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- **رشد دانش آموز** (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی)
- **رشد نوجوان** (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)
- **رشد جوان** (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۹ شماره در هر سال

تحصیلی منتشر می شوند):

- **رشد مدیریت مدرسه، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا**

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال

منتشر می شوند):

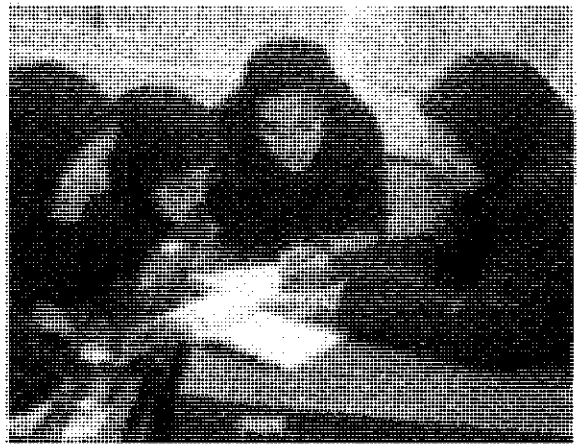
- **رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا، رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان، رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاوره مدرسه.**

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، آموزگاران، مدیران

و کارکن اجرایی مدارس

دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ **نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۲۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تلفن و نمابر: ۸۳۰۱۲۷۸**



از «خانه» (تولید/بازتولید) در جهت توسعه ی بیش تر نظام سرمایه داری، تعدیل یافته است، اما همچنان وظایف و نقش های خانگی بر عهده ی زنان است و در واقع، زنان نه تنها مجبورند همانند مردان به تولید مادی بپردازند، بلکه وظایف سنتی خانه داری را نیز بر عهده دارند. ستم مضاعفی که ناشی از این تقسیم کار نابرابر است، و همچنین نظام ارزشی توجیه گر آن، امروز با چالش روبه رو شده است. در پی حضور تدریجی زنان در عرصه های عمومی و بازار کار و گسترش تحصیلات آن ها، نقش های سنتی که از زنان انتظار می رفت و ساختار پدرسالار، با موقعیت های جدید زنان در تعارض قرار گرفته و به پیدایش شکاف جنسیتی در جامعه ی ایران منجر شده است. طی چند سال گذشته، با شکل گیری و رشد جنبش زنان، بسیاری از این نابرابری های جنسیتی به چالش کشیده شده اند و در حال تغییر هستند. نظام ارزشی مسلطی که تا چند سال پیش بسیاری از روابط و تعاملات اجتماعی را تنظیم و توجیه می کرد، در حال تغییر است و حاملان اصلی این تغییر، دختران و زنان جوانی هستند که برای دستیابی به عرصه های برابری در حال تلاش و کوشش مستمرند.

منابع:

ابوت، پاملا، و والاس، کلر. جامعه شناسی زنان. ترجمه ی منیره نجم عراقی. نشر نی. چاپ سوم. ۱۳۸۳.

Barrett, M. (1980). *Women's Oppression Today*. London: Verso.

Ingelhart, R. (1997). *Modernization and Post Modernization Cultural Economic and Political change-in 43 societies*. Princeton university Press.

Ingelhart, R. (1990). *Culture Shift in Advanced Industrial Societies*. Princeton University Press.

Mitchell, J. (1986). *Women and equality*, in J. Donald and S. Hall, Politics and Ideology. Milton Keynes: Open University Press.

Rokeyach, M. (1976). *Belief, Attitudes and Values*. JosyBass publisher.

Wolpe, A-M. (1977). *some processes in education*. Women Research and Resource centre. Explorations in Feminism 1.

